

سپهرغرب، گروه گردشگری – عباس سریشی: امروزه کم نیستند کسانی که معتقدند متعالی نبودن مفهوم گردشگری ازجمله چالش‌های فرهنگی اجتماعی موجود در این حوزه است و اینکه نگاه صرفاً اقتصادی حاکم بر این صنعت و فقدان مدیریت جامع در پذیرش و جذب گردشگران، عمده شهرهای هدف این صنعت را بسا چالش‌های گوناگون روبه‌رو نموده است.

از منظر کارشناس گردشگری یکی از بخش‌های مهم اقتصادی است که اگرچه توانسته در طی چند دهه اخیر به‌عنوان یک صنعت سودآور و مهم و موردتوجه قرار گیرد درعین‌حال و ازآنجاکه این صنعت نوظهور با تمام سویه‌های محیطی شهرها اعم از طبیعی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و نیز فعالیت‌های اقتصادی رابطه متقابل دارد لذا از ظرفیت را نیز دارد تا اثر و پیامدهای مثبت و یا منفی مختلفی را هم در این زمینه‌ها به همراه داشته باشد. موضوع اینجاست که به‌مانند همه مباحث انسانی، گردشگری نیز می‌تواند تا توجه به تأثیراتی که به لحاظ اجتماعی، فرهنگی امنیتی و... بر جوامع محلی می‌گذارد، نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.. البته یکی از مهم‌ترین مباحث موجود در این صنعت نیز وجود برخی پرده‌پوشی‌ها و کتمان‌ها و یا عدم دسترسی به اطلاعات و آمارهای قابل‌اطمینان از آسیب‌های فرهنگی اجتماعی حوزه گردشگری است که نه‌فقط دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و قضایی بلکه متولیان گردشگری نیز عادتاً از احصای این آسیب‌ها شانه خالی می‌کنند و عموماً کمتر به این آسیب‌ها توجه دارند؛ که این مسئله نیز ناشی از نگرش نادرست به جنبه‌های تهدیدآمیز و آسیب‌زای گردشگری (اعم از داخلی و خارجی) است.

کارشناسان و صاحب‌نظران بر این عقیده هستند درحالی‌که نتایج به‌دست‌آمده حکایت از آن دارد که گردشگری سالم و بسامان می‌تواند زمینه‌ساز رونق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری برای شهرها باشد؛ اما چنانچه فاقد مدیریتی صحیح و کارآمد باشد لاجرم دارای نتایج معکوسی نیز خواهد بود که نه‌تنها اثر مثبتی بر شهرها نخواهد داشت بلکه دارای نتایج ناگواری نیز هست که می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی دامن بزند.

موضوع اینجاست که در نقطه مقابل همه محاسن و فرصت‌ها اما آسیب‌های اجتماعی را هم می‌توان ازجمله پیامدهای منفی حضور گردشگران در یک شهر و یا منطقه دانست که بر اساس بررسی‌ها و نتایج حاصله این امر از موضوعات پیش‌پاافتاده مثل تشدید ترافیک و تخریب محیط‌زیست شروع و تا بروز برخورد‌ها و تنش‌های فیزیکی، سرفت، روسپی‌گری، خریدو فروش مواد مخدر مشروبات الکلی، بی‌حجابی و بدحجابی ... ادامه می‌یابد.

درواقع ایسن تصور وجود دارد که بسیاری از گردشگران با حس آزاد شدن از برخی کنترل‌های هنجاری و یا محدودیت‌های سرزمین و شهر مادری و در لوای گمنامی در شهر جدید، هیجان سفر و تلاش برای لذت بردن حداکثری از محیط مقصد در کنار شلوغی و ازدحامی که در برخی از محیط‌های گردشگری به وجود می‌آید گرایش بسیار بالایی به ارتکاب ناهنجاری و رفتار غیرمنطقی داشته یا پیدا می‌کنند.

گو اینکه در صورت وجود نظارت و کنترل بر این فرایند امکان وقوع این مضللات نیز کاهش می‌یابد بااین‌حال اما واقع امر اینجاست که شرایط فعلی ما بیشتر بیانگر نوعی لجام‌گسیختگی در ساختار مدیریت و نیز کنترل رفتاری گردشگران در فضای شهری است که ناخواسته به بروز برخی از این موضوعات کمک می‌کند چه اینکه شاید بروز برخی از

بازار داغ گردشگری و مدیریت یخ زده ...

همین خُرد ناهنجاری‌ها است که باعث شده بسیاری به این باور برسند که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان کشور عزم و اراده لازم برای توسعه گردشگری سالم و مدیریت‌شده در شهرهای هدف را ندارند. تابستان گرم و شهر شلوغ ... و اما اسمسال کشور ما به‌صورت خاص در حال تجربه یک تابستان بسیار گرم است. موضوعی که باعث شده مناطق غربی کشور به دلیل داشتن آب‌وهوای نسبتاً خنک‌تر بیشتر از سال‌های قبل مورد توجه مسافران و گردشگران تابستانی قرار گیرد که البته استان همدان هم از این قاعده مستثنا نبوده و تقریباً از اواسط خردادماه شاهد ورود یک موج پر فشار از مسافران تابستانی به آن بودیم.

هم‌وطنان عزیز و گران‌قدری که از اقضا نقاط کشور و به خصوص مناطق جنوب، مرکز و شرقی کشور آمده‌اند تا در خنکی دامنه‌های الوند مدتی را به تفریح تفرج گذرانده و از طبیعت زیبا و دست‌مایه‌های فرهنگی و تاریخی آن نیز دیداری داشته باشند.

بر نگاه مادی نیاز است تا نگاه غیرمادی نیز بر آن حاکم شود؛ یعنی اگر بخواهیم گردشگری را با محوریت انسانی آن دنبال کنیم، باید علاوه بر جسم و مباحث زیست‌محیطی به روح، روان و آراش فکری افسرد نیز بپردازیم. البته در گردشگری این تعریف عموماً در قالب معنویت قرار می‌گیرد، یعنی انسان در سفر علاوه برآسایش جسم، به آراش روح و روان هم باید برسد گو اینکه تحقق این موضوع نیز صرفاً مختص گردشگران نبوده و هم‌زمان هم به ساکنان شهر میزبان هم مربوط می‌شود.

واقع امر اینجاست که هر دو سوی این رابطه اعم از میزبان یا میهمان باید ضمن تلاش حداکثری برای رعایت قانون و تبعیت از هنجارها و ارزش‌ها، شیوه برخورد، گفتار و رفتاری خود را به‌گونه‌ای با مقتضیات زمان، مکان و مخاطب منطبق کنند که بتوانند ضمن رسیدن به یک مفاهمه و هم‌حسی و درک متقابل موجباتی را به وجود آورند که تمایل برای ادامه حضور و یا دیدارهای بعدی بیشتر و بهتر گردد و این‌گونه نباشد که پهنه شهر تبدیل به یک جبهه تاخت‌و‌تاز و عرصه تنش و برخورد‌های رفتاری و گفتاری شده و هر کدام ضمن سعی در غلبه بر دیگری به دنبال کسب امتیازات و خدمات بیشتر از طرف مقابل درآمده درنهایت کار به‌جایی برسد که بعدها دیگر تمایلی به ادامه این حضور به وجود نیابد.

موضوعی که فی‌نفسه در تضاد با اصل میهمان‌نوازی برای شهرهای گردشگری‌پذیر و آداب میهمانی رفتن برای گردشگران بوده و به‌هیچ‌عنوان نه شایسته میزبانان است و نه بایسته میهمانان اما

متأسفانه اسمسال و به‌رغم تجربه چندساله حضور گردشگران در شهر همدان ولیکن به تعدد و تکرار شاهد بروز مصادیق و نمونه‌هایی از این ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها بودیم که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران و کارشناسان نه‌تنها مبین افزایش نرخ آماری آن‌ها نسبت به سال‌های گذشته است بلکه به‌نوعی نیز در حال تعمیق و ریشه دوانی در بطن و متن صنعت و فرهنگ گردشگری شهر ماست.

آسیب‌ها و تهدیداتی که به گفته صاحب‌نظران اگر از هم‌اکنون به فکر حل‌وفصل و ریشه‌کنی آن‌ها نبوده و یا در قالب مامشات و ساده‌انگاری قرار داده

شود معلوم نیست در آینده نه‌چندان دور چه تبعات محوری انسانی آن دنبال کنیم، باید علاوه بر جسم و مباحث زیست‌محیطی به روح، روان و آراش فکری افسرد نیز بپردازیم. البته در گردشگری این تعریف عموماً در قالب معنویت قرار می‌گیرد، یعنی انسان در سفر علاوه برآسایش جسم، به آراش روح و روان هم باید برسد گو اینکه تحقق این موضوع نیز صرفاً مختص گردشگران نبوده و هم‌زمان هم به ساکنان شهر میزبان هم مربوط می‌شود.

واقع امر اینجاست که هر دو سوی این رابطه اعم از میزبان یا میهمان باید ضمن تلاش حداکثری برای رعایت قانون و تبعیت از هنجارها و ارزش‌ها، شیوه برخورد، گفتار و رفتاری خود را به‌گونه‌ای با مقتضیات زمان، مکان و مخاطب منطبق کنند که بتوانند ضمن رسیدن به یک مفاهمه و هم‌حسی و درک متقابل موجباتی را به وجود آورند که تمایل برای ادامه حضور و یا دیدارهای بعدی بیشتر و بهتر گردد و این‌گونه نباشد که پهنه شهر تبدیل به یک جبهه تاخت‌و‌تاز و عرصه تنش و برخورد‌های رفتاری و گفتاری شده و هر کدام ضمن سعی در غلبه بر دیگری به دنبال کسب امتیازات و خدمات بیشتر از طرف مقابل درآمده درنهایت کار به‌جایی برسد که بعدها دیگر تمایلی به ادامه این حضور به وجود نیابد.

موضوعی که فی‌نفسه در تضاد با اصل میهمان‌نوازی برای شهرهای گردشگری‌پذیر و آداب میهمانی رفتن برای گردشگران بوده و به‌هیچ‌عنوان نه شایسته میزبانان است و نه بایسته میهمانان اما متأسفانه اسمسال و به‌رغم تجربه چندساله حضور گردشگران در شهر همدان ولیکن به تعدد و تکرار شاهد بروز مصادیق و نمونه‌هایی از این ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها بودیم که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران و کارشناسان نه‌تنها مبین افزایش نرخ آماری آن‌ها نسبت به سال‌های گذشته است بلکه به‌نوعی نیز در حال تعمیق و ریشه دوانی در بطن و متن صنعت و فرهنگ گردشگری شهر ماست.

آسیب‌ها و تهدیداتی که به گفته صاحب‌نظران اگر از هم‌اکنون به فکر حل‌وفصل و ریشه‌کنی آن‌ها نبوده و یا در قالب مامشات و ساده‌انگاری قرار داده

ظاهرا مسئولان و مدیران فقط دلخوش به افزایش کمی و آمار میهمانها و گردشگران هستند و نه کنترل،ساماندهی و تنظیم ساختار حضور آنها در شهر

گردشگری و مدیریت یخ زده ...

عمدتاً منتفی است.

البته به‌جز داستان محل اسکان و اُتراق اما اسمسال هم به‌متابه سال‌های گذشته نه از حمام مناسب و در دسترس خیری هستت و نه از خدمات رفاهی ویژه مسافران در قالب ناوایی و عرضه محصولات خوراکی باقیمت متعارف پس لاجرم بازهم این جماعت مجبور هستند تا مثل گذشته با همان قیمت‌های دولابنهایی فروشنده‌گان دوره‌گرد و مغازه‌دارها که صدالبته اسمسال هم بیشتر شده برای صبحانه، نهار و شام فکری کرده و به فکر سیر کردن شکم خود باشند.

حالا اگر از مبحث تکراری فقدان جشنواره‌های هنری و فرهنگی و حتی دینی ویژه گردشگران هم که بگذریم و نخواهیم که به بحث موضوع خدمات درمانی، اورژانسی و یا خدمات راهنمای گردشگری وارد شویم اما واقع امر اینجاست که باگذشت تقریباً دو ماه از تعطیلات و رسیدن به‌روزهای پایانی آن اما بازهم ساختار گردشگری استان و شهر ما به‌مانند گذشته نه‌فقط حرف چندانی برای گفتن نداشته بلکه برخی معتقدند که همین افزایش بی‌سابقه گرما و افزایش بیشتر گردشگر هم باعث شده تا سرشته کار رسماً از دست برخی خارج شود و به اصطلاح نتوانند که برای این موج پر فشار مسافر برنامه‌ریزی خاصی را ترتیب داده و یا به آن سروسامان نیم‌بندی هم دهند زیرا گذشته از برخی حرکات مرسوم و نامدین که عموماً نیز بیشتر در جهت خالی نبودن عریضه است تا چیز دیگر اما به وضوح ایسن تصور وجود دارد که ما نتوانسته‌ایم آن‌گونه که بایدو‌شاید برای تطابق خود با شرایط جدید فکر و ایده تازه‌ای را در دستور کار داشته و ضمن تعریف سناریوهای جدید برای ساماندهی و مدیریت گردشگری و گردشگران اقدامات مؤثر و محسوسی را در دستور کار داشته باشیم و نتیجه این شد که این گردشگران بودند که عموماً از سر ناچاری یا خود را با شرایط وفق داده و یا گاهی اوقات از در تغییر و برخورد با شرایط موجود برآمدند.

اینکه بدون توجه به هشدارها و اعلامیه‌ها و یا نصب بنرهای در فضاهای شهری هرچجا که فرصتی دست داده و توانستند چادر زده و خودروهای خود را پارک کردند و علاوه بر ایجاد بی‌نظمی و ترافیک باعث شدند تا تقریباً هر از چند گاه هم شاهد بروز برخی موضوعات ناهنجار و آسیب‌زا برای شهر باشیم. از دعوا و کتک‌کاری و مرافعه برای نصب چادر و پارک خودرو گرفته تا قفل زدن به دستشویی‌های عمومی پارک برای استفاده اختصاصی و یا استحمام نیمه‌شب آقایان در وسط پارک با استفاده از شلنگ‌های آب یاری فضای سبز، ریختن زباله و پسماند در محوطه پارک‌ها و آبجوری‌ها، تردد در شهر با البسه نامتعارف، شبنشینی‌های همراه با مصرف مواد و قلیان درملاعام یا در نمونه آخر و نوربانر آن موضوع دور دورکردن با خودرو و ولگردی‌های خاص (شبانه‌روزی در سطح شهر) توسط زنان و مردان به نام گردشگر و به کام افراد ناهنجار و متبلابه بیمارهای اخلاقی.

خلاصه این‌همه شاید تنها گوشه‌ای بود از آسیب‌های متأثر از گردشگری بی‌قاعده و منطقی که نه تنها در بلندمدت بلکه در کوتاه زمان موجبات بروز مشکلات و حاشیه‌های پررنگ‌تر از متنی را برای یک شهر گردشگری‌پذیر فراهم کرده و خواهد کرد درحالی‌که مسئولان و مدیران اجرایی نیز فقط

دل‌خوش به افزایش آمار میهمان‌ها و گردشگران هستند و نه کنترل و ساماندهی و تنظیم ساختار حضور آن‌ها.

البته وقتی صحبت از کنترل و مدیریت می‌شود نیز منظور ساخت یک قلعه و زندان بزرگ نیست که گردشگران دوران تعطیلات خود را در قبض و بسط‌های سخت‌گیرانه و ناخوشایند در آن طی نمایند بلکه منظور ایجاد ساختاری است که با الزام به رعایت مقررات و هنجارها هم گردشگران و هم شهروندان بتوانند با کمترین اصطکاک و تنش و یا بروز ناهنجاری و آسیب چند صیاحی را در کنار هم به‌خوبی و خوش طلی کرده و حتی‌الامکان اگر خاطره خوشی را نیز با خود به یس‌ادگار نمی‌برند کوله باری از ناراحتی، دغدغه و نگرانی را نیز برای همدیگر به یادگار نگذراند.

ششمین دو لب گردشگری...

و اما شکی نیست که بازار گردشگری با تنوع گسترده‌ای از انواع گردشگران مواجه بوده که هرکدام هم با اهداف گوناگون به سفر رفته و طبیعتاً نگاه آنان به جامعه مقصد از یکدیگر متمایز است. موضوع اینجاست که میحت گردشگر و گردشگری همان‌گونه که می‌تواند بسا پیامدهای مثبت و توسعه‌محور در حوزه‌های صنعتی، اقتصادی فرهنگی و... برای شهرهای گردشگری‌پذیر همراه باشد به همان میزان هم می‌تواند اثرات تخریبی و منفی نیز در همان ابعاد در پی داشته باشد

اینکه به اعتقاد صاحب‌نظران ازجمله اثرات اجتماعی گردشگری (مدیریت نشده) می‌توان به تغییر در رفتار فردی، اخلاقی، نظام ارزشی، سبک زندگی جمعی، روابط خانوادگی و... اشاره کرد مضاف بر اینکه گردشگری لجام‌گسخته همان‌گونه که بر نوع گذران اوقات فراغت و تراکم و ترافیک و نظم در عبور مرور و تردد عادی شهر نیز تأثیرگذار است و می‌تواند در قالب فرصت‌پذیری و تقلید و خصوصیات و شیوه زندگی و رفتاری میزبانان هم نهاده‌ند و ماندگار شود.

از منظر صاحب‌نظران بررسی نتایج عوامل منفی اجتماعی و فرهنگی مطرح‌شده بیانگر این واقعیت است که حتی در بین کارشناسان مرتبط با فعالیت‌های گردشگری نیز این دغدغه در خصوص اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری وجود دارد که در صورت وقوع و ادامه اثرات منفی آن گریزناپذیر خواهد بودو گو اینکه در خصوص شهر همدان نیز به دلیل داشتن صیفه فرهنگی و تاریخی و نیز پتانسیل بالای جذب گردشگر و همچنین بافت سنتی و مذهبی آن‌هم این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ که این عدم ثبات مانع از برنامه‌ریزی منسجم و اقدامات سنجیده در گردشگری با رویکرد فرهنگی اجتماعی گردیده و منجر به افزایش آسیب‌ها در ایسن حوزه و متعاقباً بروز دل‌زدگی و سر‌درگمی فعالان حوزه گردشگری خواهد شد

البته بیان این مطالب نیز نه در جهت سیاه‌نمایی شرایط، تضعیف و کمرنگ نمودن فعالیت‌ها و تلاش‌ها و یا حاشیه‌سازی پررنگ‌تر از متن برای این صنعت سودآور نیست بلکه منظور توصیه مسئولان و متولیان به توجه و تعیین راهبردها و نقشه راهی مشخص و یا اولویت‌بندی فعالیت‌ها برای دستیابی به اهداف متعالی و تقویت آثار مثبت و متعاقباً کنترل و محدود نمودن برآیندهای منفی این فرایند است که صدالبته تحقق این خواسته‌ها نیز مستلزم داشتن یک نگاه واقع‌بینانه و قبول برخی حقایق و ضعف‌ها و متعاقباً تلاش در جهت رسیدن به مفاهمه جمعی واحد از سوی همه متولیان و متصدیان ذیل نیل به مقصود است و نه برخوردی انفعالی و تکذیب و تقابل با نقدهای ارائه‌شده و با ادامه تکرر فعالیت‌های تک‌بعدی فعالیت‌های کم بازده در این خصوص.

در طبیعت آتش روشن می‌کنید؛ این نکات را حتما رعایت کنید



پشه حیوانی و در صورت وجود از زغال سنگ استفاده کرد. برای روشن نگ داشتن آتش لازم نیست همه هیزم‌هایی که جمع کرده‌ای را به طور ناگهانی به آتش اضافه کنید، بلکه بهتر است هیزم را کم‌کم به آتش اضافه کنید تا آتش در مدت زمان بیشتری برایتان کارایی داشته باشد.

■ **خاموش کردن آتش**

همان‌طور که برای روشن کردن آتش اصولی را باید بلد بود و رعایت کرد برای خاموش کردن آتش هم باید نکات ظریفی را بدانیم تا طبیعت اطرافمان آسیب بینند. این‌که آتش را باید با آب خاموش کرد چیزی است که دیگر همه می‌دانند، اما لازم نیست یک سطل آب برداریم و یا خالی کردن آن روی ذغال و هیزم آتش را خاموش کنیم. بهترین راه این است که آب را کم‌کم و در چندین مرحله روی آتش بپاشیم و با یک وسیله ذغال و هیزم‌ها را تکان دهیم تا مطمئن شویم آتش آن‌ها خاموش شده است. وقتی دودها خوابید و آتش از سر‌سودی معروفش که همان جلز و ولز است افتاد، دیگر می‌توان مطمئن بود که آتش به طور کامل خاموش شده و خطری برای افراد و طبیعت ندارد. برای اطمینان بیشتر می‌توانید دستانان را روی خاسته‌های باقی مانده بگیرید که در این صورت اگر حرارتی احساس نکردید، معلوم است که آتش به طور کامل خاموش شده است

بهترین کار این است که جهت باد را پیدا کنید، چون با این کار دودتان را از باد زدن آتش خلاص می‌کنید و باعث می‌شوید جریان باد خودش آتش را زنده و روشن نگه‌دارد. زمین هم ترجیحا بهتر است خشک باشد.

سپس یک چاله کوچک در زمین حفر کنید و مواد و هیزم‌هایی که برای آتش زدن جمع کرده بودید را داخل این حفره بریزید و بسا کبریت روشنشان کنید. برای بهتر روشن شدن آتش بهترین کار کمک گرفتن از برگ‌های خشکی است که روی زمین ریخته شده. تجمع این برگ‌های خشک می‌تواند سوخت خوبی برای آتش باشد. اگر هم با مایعات به عنوان آتش‌زنه استفاده می‌کنید، باید حواستان را جمع کنید که از فاصله دور مایعات بودید را داخل این حفره بریزید و بسا کبریت روشنشان کنید. برای بهتر روشن شدن آتش بهترین کار کمک گرفتن از برگ‌های خشکی است که روی زمین ریخته شده. تجمع این برگ‌های خشک می‌تواند سوخت خوبی برای آتش باشد. اگر

هم با مایعات به عنوان آتش‌زنه استفاده می‌کنید، باید حواستان را جمع کنید که از فاصله دور مایعات بودید را داخل آتش نپاشید، چون این کار باعث شعلور شدن آتش شده و گاه ممکن است تکه‌های هیزم یا سنگ‌هایی که ناگهانی داغ شده‌اند به اطراف پرتاب شده و باعث سی‌وخنگی افرادی شوند که در اطراف ایستاده‌اند. این را به یاد داشته باشید که هرگز از گازوئیل به عنوان سوخت برای آتش استفاده نکنید.

■ **طریق ایجاد آتش بدون کبریت**

اگر جایی قرار گرفتید که کبریت همراهتان نبود یا از روی بدشانسی اصلن یادتان رفته بود کبریت یا فندک را داخل کوله سرفتان بگذارید برای روشن کردن آتش راه‌های دیگری هم هست. یکی از این

سپهرغرب، گروه گردشگری: یکی از لذت‌های حضور در طبیعت به جز گشت و گذار و دیدن جاهای جدید و دیدنی، انجام تجربه‌هایی است که این روزها به خاطر پیشرفت تکنولوژی کمتر برابمان پیش می‌آید که امتحانش کنیم.

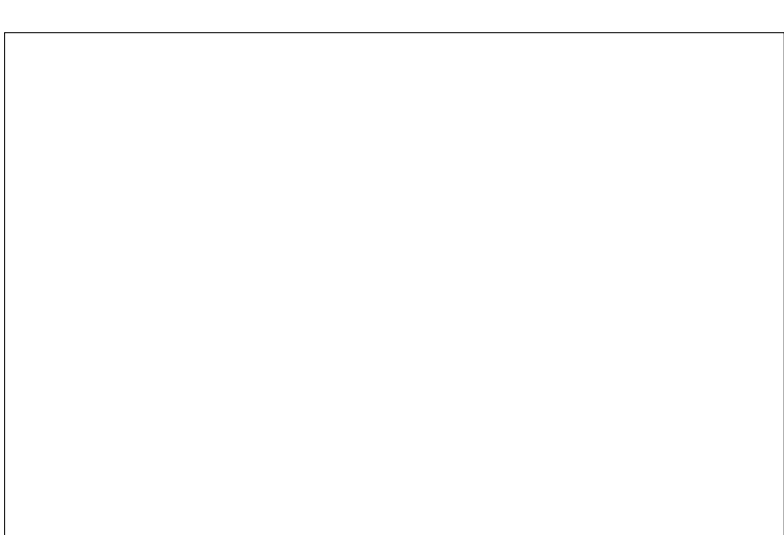
درست کردن آتش و استفاده از آن برای گرمابخشی‌اش و همچنین پخت غذا در طبیعت این روزها تقریبی دلنشین است؛ چیزی که در سالیان بسیار دور جزء ضروریات زندگی بود. اما درست کردن آتش در طبیعت چندان هم کار راحتی نیست و به قول معروف قلقل و راهکارهای خاص خودش را دارد. از همه مهم‌تر نیز اینکه باید مراقبت باشیم با این اقدام به طبیعت آسیب نزیم. نباید فراموش کنیم بخش زیادی از آتش‌سوزی در جنگل‌ها به دلیل بی‌توجهی‌های مردمی در آتش روشن کردن است.

قدم اول این است که از ابتدا که قصد رفتن به دل طبیعت و دشت و کوه را می‌کنید، حواستان باشد آتش‌زنه مناسبی مثل فندک و کبریت همراهتان باشد. بعد که به طبیعت می‌رسید بپوشش است که برای روشن کردن آتش کارهایی انجام دهید. اولین کار جمع کردن هیزم است. همان چیزی‌که می‌تواند تکه‌های کوچک و خشک شاخه‌های درختان باشد که البته روی زمین ریخته شده و بلااستفاده است. شاید گفتن اینکه نباید برای درست کردن آتش شاخه‌های خشک درختان را بشکنیم یا ببریم، کمی کلیشه شده باشد، اما خوب یادآوری‌اش هم بد نیست!

بعد از جمع‌آوری شاخه‌های نازک چوب، نوبت به بررسی مکان برای پزایی آتش می‌رسد. اگر به پارک‌های جنگلی رفته باشید، خیلی احتمال دارد که بتوانید از منقل‌هایی که در اطراف تعبیه شده، استفاده کنید. اگر منقل حاضر و آماده پیدا کردید، حواستان باشد خاکسترهایی که احتمالا از آتش‌های قبلی در آن وجود دارد را کنار بریزید و محل برپایی آتش جدید را خوب در منقل تمیز کنید تا فضای کافی برای برپا کردن آتش را داشته باشید. اگر هم به دل طبیعت سفر کرده‌اید و منقل آماده‌ای موجود نبود و خواستید آتش را روی زمین برپا کنید باید اول بررسی کنید که در شاع دو تا سه متری جایی که می‌خواهید آنجا آتش روشن کنید، گیاه و چمنی نباشد که آتش باعث سی‌وختنش شود. در ادامه

ضعف خدمات‌دهی به گردشگران در آبشار «بیشه»

واکنش میراث فرهنگی چیست؟



سپهرغرب، گروه گردشگری: **عدم خدمات‌دهی مناسب به گردشگران در منطقه تفریحی آبشار بیشه موجب بروز برخی نارضایتی‌ها شده است و در همین راستا مدیرکل میراث فرهنگی به مشکلات موجود در این راستا واکنش نشان داده است.**

لرستان دارای جاذبه‌های طبیعی و گردشگری بسیار زیبایی است که هر یک به تنهایی می‌تواند در توسعه گردشگری و رونق اشتغال در منطقه نقش مهمی داشته باشد.

آبشار بیشه در بین جاذبه‌های گردشگری لرستان دارای اهمیت بسیار زیادی است و در طول سال و به ویژه ایام تعطیلات عید و تابستان هزاران نفر از این جاذبه زیبا دیدن می‌کنند.

اما مشکلی که شاهد آن هستیم، کمبود امکانات و عدم خدمات‌دهی مناسب به گردشگران در این منطقه توریستی است.

نبود امکانات لازم و خدمات دهی نامناسب موجب گلايه بسیاری از گردشگران شده و این در حالی است که تا کنون اقدامی اساسی در جهت رفع این مشکلات صورت نگرفته است.

■ **واکنش مدیرکل میراث فرهنگی لرستان به مشکلات آبشار بیشه**

در همین راستا سید امین قاسمی، بیان کرد: آبشار بیشه یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های گردشگری